

پیام به غرب از بطن نبرد با داعش

تصرف موصل توسط داعش در تابستان ۲۰۱۴ عراق را بار دیگر به لرزه درآورد و ظرف ۴۸ ساعت، سلیمانی را همراه شمار زیادی از نیروهای خودش به بغداد فرستاد تا به عراقی‌ها کمک کنند. ابومهدی المهندس در آن زمان فرماندهی یک گروه داوطلب بسیج مردمی را برعهده داشت، یک گروه شیعه که در پاسخ به فراخوان و فتوای آیت‌الله سیستانی اصلی‌ترین قدرت مذهبی شیعه در عراق تشکیل شده بود و این درست در حالی بود که ارتش عراق در برابر داعش از هم پاشیده شده بود. به این ترتیب سلیمانی از نخستین روزهای ظهور جریان تروریستی داعش در عراق و اشغال ناگهانی موصل و تکریت از سوی تروریست‌ها در خط مقدم مبارزه با آنها ایستاد. او رابطه نزدیکی با فرماندهان شبه نظامی شیعه عراق و لبنان داشت. از عماد مغنیه، فرمانده شاخه نظامی حزب الله که چند سال پیش به شهادت رسیده بود تا ابومهدی المهندس و هادی عامری از فرماندهان حشد الشعبی. هنگامی که کاروان حامل قاسم سلیمانی هدف راکت‌های آمریکایی قرار گرفت او ابومهدی المهندس در کنار هم بودند. شناخت ویژه سلیمانی از جغرافیای مناطق درگیری، ذهن توانمندش در تدوین راهبردهای نظامی در عین وجود ویژگی‌های شخصی سبب می‌شد او با ایستادن شانه به شانه کنار سربازان از هر مذهب و قومی حس همدلی و هم‌افزایی را ایجاد کند که ضرورت غیرقابل انکار پیروزی در مبارزه بود.

نیروهای حشد الشعبی در این فضا که ارتش عراق در مواجهه با داعش شکست سنگینی خورده بود، در سال ۲۰۱۴ رسماً اعلام موجودیت کرده و نقش بسیار مهمی در مبارزه با تروریست‌ها ایفا کردند. در همین رابطه سلیمانی نقش مهمی در تشکیل این نیروها در قالب ائتلاف گروه‌های کوچک و بزرگ چون عصاب اهل حق، کتاب حزب الله، کتاب امام علی، سرایای الحسین، مقاومت اسلامی النجباء عراقی، سپاه بدر، کتاب سید الشهداء و... داشت.

توسط ایران راحت باشد و در همین رابطه، ظریف موافقت مقامات سیاسی ایران را با درخواست آمریکا اعلام کرد: «در همان مذاکرات، جدازاً اشتراکاتی که میان دو کشور وجود داشت، اختلافات شدیدی نیز پیش می‌آمد. برای مثال، آمریکا بدست به دنبال ایجاد یک حکومت موافق با سیاست‌های آمریکا در عراق بود و ایران از روی کار آمدن یک دولت شیعی در عراق حمایت می‌کرد. از سوی دیگر موضوع تروریسم و اتهاماتی که از سوی مقامات سیاسی آمریکا در مورد حمایت ایران از تروریسم مطرح می‌شد، عاملی برای تشدید اختلافات بود.

زلمی خلیل زاد، در این رابطه افزود: «اگر آمریکا سیاست‌های تعاملی خود را که با بهانه حمله به عراق با ایران آغاز شده بود ادامه می‌داد و با وارد کردن اتهامات متعدد به ایران این فضا را خراب نمی‌کرد ما می‌توانستیم بسیاری از طرح و برنامه‌های سیاست خارجی ایران را با سیاست‌های اجباری خود تحت نظارت درآوریم.» او اضافه کرده است: «پس از سقوط صدام حسین ارتباطات میان ایران و آمریکا ادامه داشت؛ اما حمایت‌های ایران از شیعیان عراق در حالی که واشنگتن گمان می‌کرد آنها تروریست هستند باعث ایجاد اختلافات شدید میان این دو کشور شد و موضوع ناقطع ارتباطات دیپلماتیک ادامه یافت.»

امریکایی‌ها بعد از سقوط صدام در عراق همچون افغانستان هم برای مدت طولانی ماندگار شدند. پس از اینکه واشنگتن متقاعد شد یک ماجرای نظامی جدیدی را به راه بیندازد این بار سلیمانی تلاش کرد در کشور همسایه با امریکایی‌ها مقابله کند. او از متحدین عراقی خود از جمله ابومهدی موسوم به المهندس که یک دوست ۳۴ ساله بود و از سوی واشنگتن به سازماندهی یک سری عملیات انتحاری برنامهریزی شده در دسامبر ۱۹۸۳ در کویت علیه سفارت آمریکا و فرانسه متهم شده بود، با ارائه خدمات مستشاری حمایت کرد. سلیمانی از همان سال‌ها حرکات نیروهای امریکایی را برای دفع تهدیدات رصد می‌کرد. اولین بار در سال ۲۰۰۷ آمریکا به نام سردار سلیمانی پس از شکست در یک عملیات نظامی علیه نیروهای سپاه قدس اشاره کرد. سلیمانی تلاش کرد که ثبات را در کشور همسایه مستقر کند اما متحدان شیعه محلی او اعم از احزاب و نظامیان آشکارا دولت را

رایان کروکر، سفیر پیشین آمریکا در عراق در جریان مصاحبه‌هایی که در سال ۲۰۱۳ درباره سردار سلیمانی با روزنامه «نیویورک تایمز» انجام داد گفت که «سردار سلیمانی قبل از اظهارات بوش و در پی رویدادهای ۱۱ سپتامبر در گفت‌وگو با یکی از مذاکره‌کنندگان سازمان ملل گفته بود که شاید وقت آن رسیده که در رابطه خود با آمریکا تجدید نظر کنیم.» «کراکر» در این باره افزود: «ما خیلی به هم نزدیک شده بودیم. اما یک کلمه در جریان یک سخنرانی مسیر تاریخ را عوض کرد.» از آن زمان به بعد رابطه آمریکا با فرمانده سپاه قدس ایران رو به قهقرا گذاشت

و اشغال افغانستان آماده می‌کرد. ایران نگران وجود نیروهای نظامی امریکایی در مرزهای خودش بود. سلیمانی اما جرأت کرد موضع مهمی بگیرد آن هم در تهران؛ جایی که نفرت از امریکایی‌ها و عدم همکاری با آنها یک خط قرمز محسوب می‌شد. حسین موسویان معاون وقت شورای عالی امنیت ملی، می‌گوید: «سلیمانی آمد و مقابل شورای عالی امنیت ملی از همکاری با امریکایی‌ها برای سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان و به قدرت رساندن حامد کرزای دفاع کرد.»

اگرچه آمریکا و ایران از سال ۱۹۷۹ یعنی پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا آن موقع از مذاکره با یکدیگر امتناع کرده بودند، اما پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ملاقات‌های مخفیانه‌ای میان دیپلمات‌های ایرانی و امریکایی در ژنو ترتیب داده شد تا طرفین بتوانند به نابودی دشمن مشترک خویش، یعنی طالبان، کمک کنند. شوک وارد شده بر آمریکا باعث شده بود که واشنگتن با تمام شرکای محتمل و غیرمحتمل وارد معامله شده و برای جنگ علیه افغانستان آماده شود. دیپلمات‌های ایرانی در یک هتل در ژنوسوئیس به ملاقات مخفی رایان کروکر از دیپلمات‌های ارشد وزارت خارجه آمریکا رفتند. کروکر بعدها در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز کرد که «در آن ملاقات اطلاعات زیادی که خوابش را هم نمی‌دیدند از ایرانی‌ها در

زمینه موقعیت نظامی طالبان، نقشه‌ها و طرح‌های عملیاتی به دست آورده بود.» اما در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ این همکاری فرو ریخت و به پایان رسید. «جورج دبلیو بوش»، رئیس جمهوری وقت آمریکا، ایران را عضو «محور شرارت» در خاورمیانه نامید و «رایان کراکر» این اقدام «بوش» را تصمیمی توصیف کرد که مسیر تاریخ را عوض کرد. «او در جریان مصاحبه‌هایی که در سال ۲۰۱۳ درباره سردار سلیمانی با روزنامه «نیویورک تایمز» انجام داد گفت که «سردار سلیمانی قبل از اظهارات بوش و در پی رویدادهای ۱۱ سپتامبر در گفت‌وگو با یکی از مذاکره‌کنندگان سازمان ملل گفته بود که شاید وقت آن رسیده که در رابطه خود با آمریکا تجدید نظر کنیم.» «کراکر» در این باره افزود: «ما خیلی به هم نزدیک شده بودیم. اما یک کلمه در جریان یک سخنرانی مسیر تاریخ را عوض کرد.» از آن زمان به بعد رابطه آمریکا با فرمانده سپاه قدس ایران رو به قهقرا گذاشت.

■ دفع تهدیدات آمریکا در عراق بعد از ۲۰۰۳

بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین، سلیمانی در کنار محمد جواد ظریف، نماینده وقت ایران در سازمان ملل از طریق واسطه‌های عراقی، مذاکره و چانه زنی با نمایندگان آمریکا برای تشکیل اولین دولت انتقالی در بغداد را از ۲۰۰۳ از سر گرفت با این پیش شرط که کاندیداهایی که مخالف منافع ایران هستند باید کنار گذاشته شوند. زلمی خلیل زاد، سفیر سابق آمریکا در عراق و افسر سابق دولت جورج بوش، رئیس جمهوری پیشین آمریکا که به نوعی بالاترین مقام مسلمان در دولت جورج بوش را دارا بود، در کتاب خود درباره تفاهم اولیه ایران و آمریکا درباره حمله این کشور به عراق نوشت: «مقامات امریکایی قبل از اینکه به عراق حمله نظامی بکنند، در این رابطه جلساتی را با مقامات سیاسی ایران برگزار کردند و از ایران خواستند در رابطه با جنگنده‌های هوایی آمریکا که احتمالاً به اشتباه به مرزهای غربی ایران وارد می‌شوند. تعامل لازم را داشته باشند و آنها را مورد اصابت موشک‌های خود قرار ندهند.» به گفته خلیل زاد «هدف اصلی ما از گفت‌وگو با ایران این بود که خیالمان از بابت عدم سرنگونی جنگنده‌های آمریکا